

■ از امیرالمؤمنین علیه‌السلام در کتاب غررالحکم نقل شده است: «جعل الله سبحانه حَقوق عباده مَقَدَّمَةً لِحَقوقه» خداوند حقوق بندگان را مقدم بر حقوق خود قرار داده است و اگر کسی حقوق بندگان خدا را رعایت کند، حق الله را هم رعایت کرده است. اگر کسی بتواند حقوق مردم را رعایت کند و زیر پا نگذارد «كَانَ ذَلِكَ مُؤَدِّيًا إِلَى حَقِّقِ الله» او می‌تواند حق خدا را هم رعایت کند. غیرت دینی یعنی در جایی که لازم است انسان برای خدا خشم بگیرد و اخم کند، این کار را بلد باشد و فقط و فقط لبخند نزند

گفت‌وگوی «وطن امروز» با حجت‌الاسلام والمسلمین مسعود عالی درباره بازشناسی مفهوم غیرت دینی

غیرت دینی، حفاظ حق و عدل

غیرت دینی یعنی حساسیت نسبت به مظالم اجتماعی و احکام و مقدسات الهی؛ کسی که این حساسیت را

نداشته باشد دینداری اش کامل نیست

رهبر حکیم انقلاب در دیدار تصویری مردم قم به مناسبت قیام ۱۹ دی بحث کلیدی «غیرت دینی» را مطرح کردند و آن را عامل نجات مردم ایران در وقایع حساس و بزنگاه‌های تاریخی این مرز و بوم برشمردند. **حجت‌الاسلام والمسلمین مسعود عالی در گفت‌وگو با «وطن امروز»** به بازشناسی مفهوم غیرت دینی پرداخت و آن را حساسیت نسبت به حق، عدل و احکام الهی عنوان کرد. در بخش بعدی این پرونده به مرور ایام‌اللهی که بدل به نمایشگاه غیرت دینی مردم شد - از نهضت تنباکو تا تشییع پاشکوه پیکر شهید سلیمانی - می‌پردازیم. **مرور این وقایع عظیم در عصر حاضر از باب «وَدَكُرْ فَإِنَّ الدُّكْرَى تَنفَعُ الْمُؤْمِنِينَ»** می‌تواند سیقل‌دهنده غیرت دینی در درون هر انسان علاقه‌مند به اسلام و انقلاب باشد.

■ **جناب استاد عالی مفهوم «غیرت» و «غیرت دینی» به چه معناست؟**

یکی از بهترین و ارزشمندترین صفات انسانی و الهی، غیرت است؛ صفتی که نخستین وجودی که در عالم این صفت را دارد، وجود مقدس خود خداوند است. امام صادق علیه‌السلام در روایتی فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ غَبُورٌ يُحِبُّ كُلَّ غَبُورٍ». خداوند متعال غیور است و هر غیرت‌مندی را دوست دارد. غیرت یعنی انسان نسبت به محترمت‌ها و حریم‌ها و چیزهایی که مورد علاقه‌اش هست حساس باشد؛ نسبت به ناموسی بی تفاوت نباشد و اگر غیر خواست به حریم او تعرض کند، احساس مسؤولیت کند و واکنش نشان دهد؛ وجود مقدس خداوند متعال هم ناموس دارد. چیزهای محبوب و مورد علاقه خداوند متعال ناموس الهی هستند که از آنها دفاع می‌کند آنها محترم‌ات الهی هستند، از جمله دین خدا، احکام الهی، قرآن، اولیا و انبیای الهی، حقوق مؤمنان و... همه اینها محترمت‌ات الهی هستند

که پروردگار عالم از آنها دفاع می‌کند؛ از این نظر نخستین غیور در عالم خود خداوند متعال است و این صفت را در هر کسی ولو مشرک و غیرمسلمان دوست دارد. این صفت، ارزشمند و کمال است. در روایتی از امام باقر علیه‌السلام آمده است که دستور اعدام تعدادی از مشرکان که با مسلمانان جنگیده و مستحق اعدام بودند، صادر شد. پیغمبر اکرم صلی‌الله علیه و آله وسلم فرمودند یکی از آنها را نکشید. او را جدا و بقیه را اعدام کردند. او خدمت پیغمبر رسید و پرسید: «چرا مرا نکشیدت؟» پیغمبر فرمودند: «لان نکشیتل از طرف خداوند متعال نازل شد و فرمود در تو ۵ صفت هست که خداوند آنها را دوست دارد: اول صداقت، دوم شجاعت، سوم سخاوت، چهارم اخلاق خوشی که با خانواده و اطرافیان داری و پنجم «الغفيرة اللسديدة علی حرمک»، نسبت

علی^(ع) موقعی که اشک بتیم، مظلوم یا محرومی را می‌دید تاب نمی‌آورد. این طاقت نیاورند همان غیرت دینی است؛ در باب تعرض به احکام الهی هم این چنین بود

اینکه در جایی که لازم است انسان برای خدا خشم بگیرد و اخم کند، این کار را بلد باشد. فقط و فقط لبخند نزند. در روایت هم هست که حضرت موسی علیه‌السلام غیور بود. آن بزرگوار وقتی ۴۰ روز در کوه طور بود و الواح مقدسه تورات بر ایشان نازل شد، وقتی به سمت قومی بازگشت، دید گوساله‌پرست و مشرک شده‌اند، تعجیر قرآن این است: «أَلْقَى الْأَوَّلُ» تورات را آن طرف انداخت، «أَخَذَ بَرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ» به سر برادرش هارون فریاد زد. هارون جزو انبیا - انبیای تبلیغی، نه تشریحی- بود. حضرت موسی علیه‌السلام موهای برادرش را گرفت و کشید و گفت چرا اجازه دادی این کار را بکنی؟ یعنی واکنش تندی نشان داد که معلوم شود یک فاجعه و یک شرک رخ داده است. این غیرت دینی است.

■ **عذاب الهی برای عابدی که غیرت دینی نداشت**
این صفت در هر کسی که باشد خداوند دوست دارد، کما اینکه آدم بی غیرت را ولو عابد باشد مغضوب می‌دارد و بدش می‌آید. در جلد ۹۷ بحارالانوار، از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است که قومی مشمول عذاب بود و ۲ ملک برای عذاب آن قوم فرستاده شدند. اینها وقتی نازل شدند، دیدند در آن قوم، مرد زاهد و عبدی است که دارد تضرع و مناجات می‌کند. از خداوند متعال پرسیدند: «یا این هم جزو کسانی است که باید عذاب شود؟» پروردگار عالم فرمود: «کار خودتان را بکنید. و ان ذلک لَمْ يَتَمَعَّرْ وَجْهَهُ قَطُّ غَضًّا لِي» این آدمی است که به خاطر من اخم نکرده، هیچ جا خشم نداشته و به خاطر من هیچ جا غضب نکرده است. این را هم عذابش کنید. غیرت دینی نداشت است؟

■ **تفاوت غیرت دینی و غیرت ملی در چیست؟**

معمولاً وقتی کلمه غیرت را می‌شنویم، بیشتر غیرت ناموسی به ذهن‌مان می‌آید ولی غیرت اقسامی دارد. حداقل ۳ قسم مهم غیرت داریم: نخستین قسم آن غیرت ملی است که انسان نسبت به ملت، آب و خاک خود احساس مسؤولیت کند و تعهد داشته باشد. غیرت ملی غیر از ملی‌گرایی است. غیرت ملی این است که انسان نسبت به ارزش‌ها، افتخارات و پشتوانه‌های فرهنگی و تمدنی ملت خود که هویت او را تشکیل می‌دهند، بی تفاوت نباشد و نسبت به آنها احساس مسؤولیت و از آنها دفاع کند. این چیز بدی نیست، البته این حدیث خیلی محکم نیست ولی نقل شده است که: «حُبُّ الْوَطَنِ مِنَ الْإِيمَانِ» که می‌تواند ناظر به همین معنا باشد. وطن را دوست داشتن و پاسداری از ارزش‌ها و افتخارات ملت خود و دفاع از آنها ویژگی ارزشمندی است.

اما ملی‌گرایی بیشتر ناظر بر نفی ارزش‌های ملی دیگر و تقلیل به آنهاست. ملی‌گرایی تعصب افراطی روی ملت خود و نفی ارزش‌های ملل دیگر و حق را پوشاندن است. چون ملت‌های دیگر هم ممکن است ارزش‌هایی داشته باشند. انسان نباید آن ارزش‌ها را بپوشاند و انکار کند. امروز ما از سردار ملی و سالار ملی - ستارخان و باقرخان - می‌شنویم که برای استقلال و عزت وطن و آب و خاکشان مبارزه کردند. اینها مشروطه‌خواه بودند و با استبداد داخلی می‌جنگیدند. همان موقع وقتی دیدند انگلیسی‌ها مشروطه نفوذ کرده‌اند و آنها هم دارند ما در مشروطه می‌زنند، در عین مبارزه با استبداد، با آنها هم مقابله می‌کنند. چون عزت ایران را می‌خواستند. در آن گیرودار که این خطر وجود داشت که از طرف انگلیس‌ها حذف شوند، از طرف کنسولگری روسیه برای

ستارخان پیام آمد که اگر به کنسولگری روسیه پناه بیاوری، ما از تو دفاع می‌کنیم و او آن جمله معروف را گفت که من زیر بیرق اراف‌الفضل علیه‌السلام هستم، بیرق روسیه را نمی‌خواهم. ما امروز او را به عنوان یک مرد غیرت‌مند تحسین می‌کنیم.

■ **مصادیق غیرت ملی و بی‌غیرتی ملی در تاریخ**

ما امروز رئیس‌علی دلواری بزرگوار را تحسین می‌کنیم که با مهربانی تنگستانی‌ها و دشتستانی‌های بوشر در مقابل انگلیسی‌ها ایستاد و مردانه جنگید و به شهادت رسید و آنها را با غیرت می‌دانیم. ما کسی مثل شاه سلطان حسین صفوی را بی‌غیرت نمی‌دانیم که در فتنه‌ای که در ایران رخ داد و تجاوزاتی که به ایران شد، دست روی دست گذاشت تا وقتی که محمود افغان و سربازانش به دروازه‌های اصفهان که در آن زمان شهر بزرگ صفویه بود، رسیدند و او به جای اینکه بايستد و دفاع کند، خودش جلو رفت و تاجش را برداشت و روی سر محمود افغان گذاشت و دخترش را پیشکش کرد. او اگر می‌ایستاد و مقاومت می‌کرد و تعدادی هم کشته می‌داد، کشته‌ها بسیار کمتر از وقتی می‌شد که آنها وارد اصفهان شدند و کشتار زیادی کردند و اسم بی‌غیرتی هم روی او ماند. البته غیرت ملی فقط در بحث نظامی‌گری نیست. آن جوان نخبه‌ای هم که می‌رود و در خارج از کشور لامه تحصیل می‌دهد و در آنجا می‌تواند بار خود را ببندد ولی بازمی‌گردد و به این کشور خدمت می‌کند، او هم غیرت ملی دارد. آن سرمایه‌داری که می‌تواند پولش را ببرد و در جای دیگری سرمایه‌گذاری کند و امکانات بهتر و رفاه بیشتری هم داشته باشد ولی در کشور خودش می‌ماند و با مشکلات و موانع می‌سازد و خدمت می‌کند، او هم غیرت دارد. این هم یکی از اقسام غیرت است که بسیار ارزشمند است.

■ **آدمی که غیرت دارد نسبت به هر ظلمی حساس است**

شاید شنیده باشید؛ پیامبر صلی‌الله علیه و آله و سلم، امیرالمؤمنین علیه‌السلام را با جمعی به یمن فرستادند که اموالی

بررسی مصادیق نمود غیرت دینی در تاریخ معاصر ایران از منظر رهبر انقلاب

نهضت تنباکو

نهضت تنباکو جنبش سراسری مردم ایران به رهبری علمای دین برای مخالفت با قرارداد واگذاری امتیاز انحصار بازرگانی توتون و تنباکو به یک شرکت انگلیسی بود. قرارداد امتیاز تنباکو که بین ایران و انگلستان بسته شده بود، توسط ناصرالدین شاه امضا شد و در پی آن اعتراض‌های مردمی و علمای دین را به همراه داشت که به قیام مردم سراسر ایران انجامید و در نهایت با مداخله میرزای شیرازی و حکم به تحریم تنباکو، دولت ایران مجبور به لغو این قرارداد شد.

نهضت تنباکو اولین مقاومت فراگیر و در عین حال موفق مردم ایران در برابر قدرت مطلقه سلطنتی قاجار و زمینه اصلی و پیش‌درآمد انقلاب مشروطیت به شمار

نهضت مشروطه

ویژگی مشخص نظام سیاسی ایران در دوره قاجاریه استبداد بود. شاه به تنهایی قانون‌گذار، بالاترین مقام قضایی و فرمانده کل همه نیروهای مسلح بود. او همچنین مستبدی بود که دستگاه دولتی را بدون حد و مرز و قید و شرط در اختیار گرفته، بر جان و مال همه مردم تسلط داشت. شاه می‌توانست با تصمیم فردی قراردادهایی با کشورها و سرمایه‌داران خارجی منعقد کند. قدرت وی به اندازه‌ای بود که نه فقط مردم عادی، بلکه حتی صدراعظم و شاهزادگان نیز رعایای او محسوب می‌شدند. اینها همه زمینه‌ساز نهضت مشروطه شد. روشنفکران نهضت مشروطه در مبارزه ضداستبدادی خود، به دلیل اینکه از پایگاه فکری گسترده‌ای در میان جامعه برخوردار نبودند، به حمایت رهبران و علمای مذهبی نیاز فراوان داشتند. علما و روحانیان در ماجرای مشروطه با بینش ویژه خود

قیام مسجد گوهرشاد

واقع‌ه مسجد گوهرشاد در پی تجمع مردم مشهد در مسجد گوهرشاد در اعتراض به قانون تغییر لباس اتفاق افتاد که توسط نیروهای دولتی سرکوب شد. این تجمع سر سال ۱۳۱۴ و در زمان حکومت پهلوی اول رخ داد. حضرت آیت‌الله‌عظمی خاتمی‌ای دربارہ استبداد رضاخان در آن سال‌ها می‌گویند: «هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید استبداد رضاخان از استبداد ناصرالدین شاه کمتر است، بلکه بلاشک بیشتر از آن است. ناصرالدین شاه در قضیه تنباکو وقتی که حرکت مردم را دید، عقب‌نشست اما رضاخان سال ۱۳۱۴ هنگامی که حرکت مردم و علما را دید، حرکت مردم را سرکوب و علما را دستگیر کرد و واقعه مسجد گوهرشاد را پیش آورد»

علت اصلی این تحمن اعتراض‌ها اجباری شدن کلاه شاپو و سیاست‌های تغییر لباس و حصر آیت‌الله سیدحسین قمی بود. در این تجمع مرحوم محمدتقی

شنبه ۲۵ دی

وطن امروز | شماره ۲۴۰۱

گفت‌وگو



را از آنجا جمع‌آوری کنند.
ظواهر سال آخر عمر پیغمبر صلی‌الله علیه و آله و سلم هم بوده است. وقتی امیرالمؤمنین علیه‌السلام با آن جمع از مسلمانان به یمن می‌رود و اموال را جمع می‌کنند، سریع بازمی‌گردند که به حج پیامبر صلی‌الله علیه و آله و سلم برسند. نزدیکی‌های مکه که رسیدند، امیرالمؤمنین علیه‌السلام جلوتر آمد که بتواند خدمت پیامبر صلی‌الله علیه و آله و سلم برسد. وقتی حضرت رسید، پیامبر صلی‌الله علیه و آله و سلم فرمودند: «علی جان! خوب است برگردی و با بقیه بیایی». حضرت برگشت و دید کسانی که با ایشان به یمن رفته بودند، لباس‌هایی را که از مردم یمن گرفته بودند و متعلق به بیت‌المال بود و باید به دست پیامبر صلی‌الله علیه و آله می‌رساندند تا ایشان تقسیم کنند، پوشیدند. امیرالمؤمنین علیه‌السلام تند شد و فرمود: «چرا این کار را کردید؟» جواب دادند: «می‌خواستیم تر و تمیز و نو بر اهل مدینه و خانواده‌های‌مان وارد شویم». حضرت فرمود: «تا وقتی پیامبر صلی‌الله علیه و آله و سلم تقسیم نکرده و سهم شما را نداده است، حق ندارد دست به بیت‌المال بزند. آنها را بر گردانید» و لباس‌ها را از تن‌شان در آورد. این کار حضرت خیلی به آنها برخورد و دلخور شدند و موقعی که بر پیامبر صلی‌الله علیه و آله و سلم وارد شدند، گله کردند و گفتند: «یا رسول‌الله! علی خیلی خشن است. حالا ما لباسی را به تن کردیم. چیزی نشده است.» پیغمبر صلی‌الله علیه و آله و سلم فرمودند: «رفع اَلْسِنَتِکُمْ عَنْ سَکَّابِه عَلٰی» زبان‌تان را از سکایت از علی به کام بگیرید. «وَ اِنَّهُ خَشِنَ عَلٰی ذَاتِکُمْ»، اگر علی خشن و قاطع است، در راه خداست. علی همان علی است که اشک یتیم او را به زانو درمی‌آورد. این علی خشن است؟ این علی همان علی است که وقتی یتیم می‌بیند زانوهایش می‌ارزد. امیرالمؤمنین علیه‌السلام در ۲ ج‌ناقطه ضعف داشت و زانوهایش می‌لرزید. یکی در محضر خدا و هنگام نماز و مناجات و یک وقت هم موقعی که اشک یتیم، مظلوم یا محرومی را می‌دید، طاقت نمی‌آورد.

دفاع مقدس

زنجک ۸ ساله ایران و عراق که با حمله متجاوزانه ارتش بعث عراق به ایران اسلامی در سال ۱۳۵۹ آغاز شد، یکی از مهم‌ترین وقایع قرن اخیر در ایران و جهان است. به اذعان دوست و دشمن، جمهوری اسلامی ایران به پشتوانه مردم و رهبری حضرت امام خمینی تنها به تقابل با یک کشور و یک‌ارتش نپرداخت، بلکه دهها کشور این قیام موجب شهادت شمار زیادی از مردم در سر تا سر کشور شد. نکته حائز اهمیت اینکه آیت‌الله کاشانی در نهضت نفت و توفیق آن نقش اصلی را بر عهده داشت و در حقیقت او ایفای نقش یک رهبر دینی بود که با حمایت از حرکت ملی، به نهضت مشروعه‌یتی - دینی - مردمی بخشید. در حقیقت موضع مقتدرانه او و مردم عامل اصلی برنده شدن نهضت ملی نفت بود. پس از توفیق نهضت در کام‌ا‌ول، مصدق زمام‌قدرت را به دست گرفت و ۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۰ کلینه خود را معرفی و مراحل اجرایی ملی شدن نفت را دنبال کرد. رهبر معظم انقلاب پیرامون نقش بی‌بدیل آیت‌الله کاشانی در پیروزی این قیام و ملی شدن صنعت نفت می‌فرمایند: «آیت‌الله کاشانی کسی است که اگر او نبود، نهضت ملی شدن صنعت نفت یقیناً در این کشور به وقوع نمی‌پیوست. مرحوم کاشانی کسی است که به کمک او دکتر مصدق و دیگر سران نهضت ملی شدن صنعت نفت توانستند حمایت مردم را به این حرکت جلب کنند، چون اول حمایت مردم جلب نمی‌شد. کسی مصدق را نمی‌شناخت؛ کسی معنای ملی شدن صنعت نفت را نمی‌دانست.»

قیام ۳۰ تیر

قیام ۳۰ تیر، در ۱۳۳۱ یک ماه پس از به ثمر نشستن نهضت ملی صنعت نفت، اتفاق افتاد. شروع قیام بعد از استغفای دکتر مصدق و انتخاب قوام‌السلطنه به نخست‌وزیری از طرف شاه بود. مردم خواستار استعفا‌ی قوام و نخست‌وزیری مصدق بودند. نقش روحانیت در پیروزی نهضت نفت غیرقابل انکار است. در نهایت قوام طرد و مصدق مجدداً به نخست‌وزیری انتخاب شد اما این قیام موجب شهادت شمار زیادی از مردم در سر تا سر کشور شد. نکته حائز اهمیت اینکه آیت‌الله کاشانی در نهضت نفت و توفیق آن نقش اصلی را بر عهده داشت و در حقیقت او ایفای نقش یک رهبر دینی بود که با حمایت از حرکت ملی، به نهضت مشروعه‌یتی - دینی - مردمی بخشید. در حقیقت موضع مقتدرانه او و مردم عامل اصلی برنده شدن نهضت ملی نفت بود. پس از توفیق نهضت در کام‌ا‌ول، مصدق زمام‌قدرت را به دست گرفت و ۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۰ کلینه خود را معرفی و مراحل اجرایی ملی شدن نفت را دنبال کرد. رهبر معظم انقلاب پیرامون نقش بی‌بدیل آیت‌الله کاشانی در پیروزی این قیام و ملی شدن صنعت نفت می‌فرمایند: «آیت‌الله کاشانی کسی است که اگر او نبود، نهضت ملی شدن صنعت نفت یقیناً در این کشور به وقوع نمی‌پیوست. مرحوم کاشانی کسی است که به کمک او دکتر مصدق و دیگر سران نهضت ملی شدن صنعت نفت توانستند حمایت مردم را به این حرکت جلب کنند، چون اول حمایت مردم جلب نمی‌شد. کسی مصدق را نمی‌شناخت؛ کسی معنای ملی شدن صنعت نفت را نمی‌دانست.»

قیام ۱۵ خرداد

در اعتراض به دستگیری امام خمینی در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ شکل خودجوش و مردمی در تهران، قم و برخی شهرهای دیگر به برپا شدن جنبش‌های سیاسی و اجتماعی و دینی این قیام به دهه ۱۳۳۰ و اقدامات تحریک‌آمیز نظام حاکم بازمی‌گردد اما مهم‌ترین حادثه که منجر به شروع قیام شد، سخنرانی امام خمینی در مدرسه فیضیه قم و پخش خبر آن در کشور بود. امام خمینی در این سخنرانی بشدت و به صراحت به شاه و اسرائیل حمله کردند. به دنبال این سخنرانی، امام خمینی در سسرگاه ۱۵ خرداد در منزل‌شان در قم دستگیر و به تهران منتقل شدند و مردم همان روز در قم و تهران و دیگر شهرها به خیابان‌ها ریختند و قیام ۱۵ خرداد شکل گرفت. تظاهرات در قم، تهران و ورامین به مقابله حکومت انجامید و تعدادی از مردم کشته و مجروح شدند. درباره تعداد شهدای این قیام نظر واحدی وجود ندارد؛ در اسناد شواخ تعداد شهدا صدها تن ثبت شده است. آیت‌الله خمینی، به دلیل کشته شدن جمعی از مردم، این روز را برای همیشه عزای عمومی اعلام کردند. قیام ۱۵ خرداد نقطه عطفی در مبارزات ملت ایران در برابر حکومت پهلوی بود که استمرار یاد و خاطره آن به قیام سراسری ۱۳۵۷ و پیروزی انقلاب اسلامی انجامید. رهبر حکیم انقلاب اسلامی درباره این قیام می‌فرمایند: «۱۵ خرداد یک قیام مردمی بود. دستگاه جبار که باور نمی‌کرد نفوذ روحانیت و مرجعیت در این حد باشد، غافلگیر شد و دست به یک عمل تند وحشیانه حساب نشده زد. اگر چه عده‌ای را مرعوب کرد اما خط مبارزه را روشن و واضح کرد. این قیام به انقلاب ۲۲ بهمن منتهی شد.»

حماسه نهم‌دی

۱۲ سال از آن حماسه بزرگ می‌گذرد، لکن به یاد آوردن آن روز باشکوه هنوز هم انسان را به وجد آورده است. روح حماسه را در انسان زنده می‌کند. یوم‌اللهی که مردم شریف ایران، غیرت دینی و حساسیت بالای خود نسبت به مقدسات دین بویژه حضرت سیدالشهدا(ع) را به نمایش گذاشتند بساط فتنه‌ای را که ۸ ماه کشور را دچار آشوب کرده بود، جمع کردند. رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند: «در قضیه ۹ دی سال ۸۸ یک نکته اساسی است و آن نکته برمی‌گردد به هویت انقلاب و ماهیت انقلاب. یعنی همان روحی که حاکم بود بر اصل انقلاب و ما و آن حضور عظیم بی‌نظیر تاریخی در سال ۵۷، همان روح در ماجرای ۹ دی نشان داده شده. کما اینکه در فضایی گوناگون دیگر هم نشان داده شده، لیکن در ۹ دی به شکل بارزی نشان داده شده به طوری که

تشییع سردار شهید سلیمانی

زیر تابوت شهید سلیمانی به معنای واقعی کلمه هویت خودش را نشان داد، وحدت خودش را نشان داد. خب! در تهران تشییع، در کرمان تشییع، در تبریز تشییع، در مشهد تشییع، در شهرهای مختلف ایران آ تشییع، در عراق آن تشییع عظیم! اگر چنانچه بنا بر این بود که مثلاً این پیکر شهید و مقدس را به سوریه و لبنان ببرند، آنجا هم همین حادثه به وجود می‌آمد؛ اگر پاکستان هم می‌بردند، آنجا هم این حادثه همین جور به وجود می‌آمد. یعنی این حرکت عظیم ملت مسلمان را نشان داد؛ این حادثه، حادثه عظیمی بود. یعنی شهادت یک شخصیت بزرگی مثل شهید سلیمانی از نظر دشمن و از نظر همه، یک تهدید محسوب می‌شد اما غیرت ملت مسلمان، ملت ایران، این تهدید را تبدیل کرد به فرصت و یک فرصتی شد.»

پس از آنکه استکبار جهانی به بزدلانه‌ترین شکل ممکن سردار پراوازه امت اسلام، حاج‌قاسم سلیمانی را به شهادت رساند، مردم قدرشناس و گوهرشناس ایران در تشییع پیکر مقدس ایشان در چندین شهر بزرگ ایران سنگ تمام گذاشته و صحنه‌هایی بی‌سابقه در تاریخ بشر خلق کردند. حضرت آیت‌الله خاتمی‌ای این واقعه عظیم را نشان از غیرت دینی مردم دانسته و فرمودند: «در همین برهه کنونی خودمان، شهادت همین شهید عزیزمان، شهید سلیمانی، واقعا شهادت شهید سلیمانی یک حادثه تاریخی و عجیب شده. هیچ‌کس فکر نمی‌کرد، دوستان هم فکر نمی‌کردند که این حادثه این‌جور عظمت پیدا کند و خدای متعال به این حادثه برکت بدهد تا بتواند هویت دینی و انقلابی مردم را جلوی چشم همه قرار بدهد و همه ببینند، ملت ایران،